

گروه بین‌الملل: پادشاه اردن روز سه‌شنبه در کاخ سفید حضور یافت تا با رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کند. این دیدار دیپلماتیک ملک عبدالله دوم با دونالد ترامپ بر خلاف دیدارهای سابق چالش‌های جدی و حواشی مهمی به همراه داشت. دیدار ۲ رهبر سیاسی در حالی برگزار شد که اخیراً طرح ترامپ برای کوچاندن مردم غزه منجر به اختلاف بین ۲ کشور شده است؛ طرحی که ترامپ در این دیدار نیز فرصت اشاره به آن را در جمع خبرنگاران از دست نداد و پافشاری خود بر آن را نشان داد؛ طرحی که با مخالفت شدید اردن و مصر مواجه شده است؛ مخالفتی که در این دیدار نیز توسط پادشاه اردن بیان شد. ملک عبدالله که به واشنگتن سفر کرده است، در کاخ سفید آمریکا با دونالد ترامپ دیدار کرد و پس از آن گفت کشورش همچنان بر موضع خود مبنی بر مخالفت جدی با جابه‌جایی فلسطینیان از نوار غزه و کرانه باختری خواهد ماند. این مخالفت در حالی بیان شد که ترامپ پیش از آغاز گفت‌وگو محرمانه ۲ رهبر سیاسی پشت درهای بسته و در جمع خبرنگاران گفته بود بر تملک غزه و ساخت‌وساز در آن تأکید دارد. وی همچنین گفت حماس باید همه اسرا را تا ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه آزاد کند. تکرار تهدید ترامپ علیه غزه نیز نشان‌دهنده یک‌دنده بودن ترامپ در مساله فلسطین و در ک نادرست وی از این قضیه است.

■ **عبدالله تحت فشار ترامپ**

پادشاه اردن در ابتدای دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا گفت: کشورش بنا دارد ۲۰۰۰ کودک سرطانی و بیمار بدحال غزه را برای دریافت خدمات درمانی قبول کند اما درباره پذیرش فلسطینیان و اسکان آنها در اردن از پاسخ مستقیم در حضور رسانه‌ها طفره رفت و موضع‌گیری در این باره را به بعد از اطلاع یافتن از مواضع مصر در این رابطه موکول کرد و گفت ترجیح می‌دهد در این رابطه بعد از اجلاس ریاض که با حضور عربستان، مصر و دیگر کشورهای منطقه درباره غزه است اظهار نظر کند. با این حال، دقایقی بعد از گفت‌وگو رسمی با ترامپ پشت درهای بسته، ملک عبدالله در حساب رسمی شبکه ایکس (توییتر سابق) ضمن «سازنده» خواندن دیدار خود با رئیس‌جمهور آمریکا، مواضع کشورش مبنی بر مخالفت با جابه‌جایی فلسطینیان را تکرار کرد. وی در ادامه نوشت: «من بر موضع قاطع اردن مبنی بر مخالفت با جابه‌جایی فلسطینیان از غزه و کرانه باختری مجدداً تأکید کردم. این موضع مشترک جهان عرب است؛ بازسازی غزه بدون جابه‌جایی فلسطینیان و هم‌زمان رسیدگی به وضعیت انسانی وخیم در آنجا که اکنون باید اولویت همه باشد». پادشاه اردن همچنین در پست خود در شبکه ایکس نوشت: در دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا بر تعهد کشورش به راه‌حل دو کشور تأکید کرده و آن را رویکردی برای «ثبات منطقه» دانسته است؛ مسأله‌ای که با توجه به انتقال

مصر واردن باز هم باطرح ترامپ برای کوچاندن فلسطینی‌ها مخالفت کردند

حکام عرب در چالش نگبت



پایتخت رژیم اشغالگر به قدس در دوره نخست ترامپ و اقدامات حمایتی اخیر وی و ارائه طرح کوچ اجباری اهالی غزه به اردن و مصر در اولویت سیاست خارجی آمریکای ترامپ نیست. ملک عبدالله به رغم حمایت‌ها و اقدامات جانبدارانه از رژیم صهیونیستی و موضع‌گیری علیه مقاومت غزه در طول نبرد توفان الاقصی و محدود کردن فعالیت‌های ضدصهیونیستی مردم اردن پس از آتش‌بس، تبدیل به قربانی سیاست‌های حمایتی دولت ترامپ از رژیم صهیونیستی شد. مسأله‌ای که پادشاهی اردن را تحت فشار شدید قرار داده است. پیش‌تر ملک عبدالله، پیشنهاد ترامپ برای انتقال جمعیت غزه به اردن را رد کرده و گفته بود کشورش به دلیل میزبانی از میلیون‌ها پناهنده در استانه «قطه جوش» قرار دارد. اشاره عبدالله به میلیون‌ها پناهنده فلسطینی، سوری و عراقی است که طی چند دهه گذشته در بی اقدامات کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی در منطقه به این کشور پناهنده شده و ترکیب جمعیتی آن را دچار تغییرات جدی کرده‌اند.

■ **ترس اردن و مصر از طرح ترامپ**

دلیل مخالفت دولت‌های مصر و اردن با طرح ترامپ را باید در ترس آنها از مقاومت جست‌وجو کرد. جدا از این مساله که طرح ترامپ قابلیت عملیاتی نداشته و مردم و مقاومت به حاضر به ترک این باریکه ساحلی پرتراکم و کوچک نیستند، بر فرض مثال، انتقال احتمالی بخشی از آنها یا کل جمعیت غزه به اردن و مصر برای مقامات و حکومت‌های اردن و مصر چالشی جدی خواهد بود. دولت اردن تا پیش از این به دلیل جنگ‌های متعدد فلسطینیان با رژیم اشغالگر و پاکسازی‌های قومی و نسل‌کشی‌های رژیم صهیونیستی میزبان میلیون‌ها پناهنده فلسطینی بوده است.

اردن هم‌اکنون نیز یکی از بزرگ‌ترین میزبانان پناهندگان در دنیا به حساب می‌آید و با توجه به جمعیت ۹ میلیون نفری این کشور، ارقام پناهندگان فلسطینی، سوری و عراقی برای پادشاهی اردن هاشمی کابوسی غیرقابل تحمل است. تاکنون طبق آمار منتشر شده بیش از ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار پناهنده فلسطینی در اردن ثبت شده‌اند که در بی نسل‌کشی‌ها و جنایات رژیم اشغالگر در کرانه باختری به اردن پناهنده شده‌اند؛ ارقامی که با توجه به گسترش شهرک‌سازی‌ها در سال‌های اخیر در کرانه باختری رو به افزایش است و از سوی دیگر چنانچه اردن میزبانی ۲ میلیون ساکن غزه را نیز قبول کند، ترکیب جمعیتی در این کشور کم‌جمعیت اما بزرگ دچار تغییرات خطرناکی برای حکومت اردن هاشمی خواهد شد؛ تغییراتی که با توجه به مشروعیت کاهشی خاندان هاشمی در این کشور و انفعال‌های آن در رابطه با تجاوزات رژیم صهیونیستی به مسجدالاقصی و حتی منابع آب اردن می‌تواند زنگ خطر را برای پادشاهی اردن به صدا در آورد. از سوی دیگر تحولات سوریه و افزایش محبوبیت احزاب نزدیک به اخوان‌المسلمین در انتخابات اخیر اردن نشان‌دهنده افزایش نگرانی‌ها درباره جریانات اخوانی در اردن هاشمی است و به همین دلیل نیز بعید است پادشاهی اردن علاقه‌ای به میزبانی از ساکنان مبارز و مسلمان اخوانی غزه داشته باشد. در سوی دیگر طرح ترامپ مصر قرار دارد که طی سال‌های گذشته شاهد ظهور و سقوط انقلابی اخوانی بوده و عبدالفتاح سیسی نیز ترس‌های مشابهی درباره میزبانی از اهالی غزه دارد. واقعیت امر این است که حکومت‌های همسایه فلسطین به رغم تمام شعارهای عربی و اسلامی علاقه‌ای به میزبانی از مردم غزه ندارند و مردم غزه نیز

علاقه‌ای به ترک سرزمین خود ندارند و همین مساله تبدیل به چالش اصلی طرح غیر عملی ترامپ شده است.

■ **فشار ترامپ بر اردن و مصر**

مدتی است دونالد ترامپ در حال بررسی و قطع کمک‌های دولت نیز کشور به بسیاری از کشورهای جهان است؛ کمک‌هایی که در قالب USAID به بسیاری از کشورهای متحد دولت آمریکا در سرتاسر جهان اختصاص یافته بود و یکی از اقدامات فوری ترامپ پس از رسیدن به کاخ سفید قطع و تعلیق این کمک‌ها به بسیاری از کشورهای جهان بود. در این بین ترامپ استثنای محدودی را نیز برای رژیم صهیونیستی و مصر اعمال کرده بود. اکنون با مطرح شدن طرح ترامپ برای غزه و عدم همراهی کشورهای اردن و مصر به عنوان میزبان اصلی در نظر گرفته شده برای فلسطینیان، این کمک‌ها به عنوان ابزار فشار بر این کشورها در نظر گرفته خواهد شد؛ اقدامی که پیش از این علیه اوکراین انجام شد و نتیجه‌بخش بود. گروکشی ترامپ از کشورهای متحد خود در ازای کمک‌های حیاتی اقتصادی، نظامی و سیاسی

تبدیل به بزرگ‌ترین چالش دولت اردن و مصر در رد طرح ترامپ شده است؛ چالشی که برای حل آن سفرهایی در نظر گرفته شده است و سفر ملک عبدالله به کاخ سفید نیز در همین راستا انجام شده است. البته در سوی دیگر منابع مصری به دلیل تنش‌های پیش آمده میان قاهره و واشنگتن بر سر طرح ترامپ برای غزه از لغو سفر سیسی به واشنگتن خبر دادند؛ مسأله‌ای که نشان‌دهنده جدی بودن چالش پیش آمده است.

■ **عدم علاقه به تکرار تجربه نگبت**

پادشاه اردن در سخنان خود در کاخ سفید به نشست فوق‌العاده عربی در ریاض اشاره کرد که قرار است ۹ اسفند برگزار شود. این نشست قرار است برای مقابله با طرح ترامپ برای نوار غزه بر گزار شود. طبق اعلام منابع عربی، در این نشست قرار است به تنظیم یک موضع عربی واحد در حمایت از مصر و اردن در برابر فشارهای احتمالی پرداخته شود. تاریخ پیشنهادی برای نشست مذکور نیز با برگزاری صدوشصت‌چهارمین دور از اجلاس اتحادیه عرب هم‌زمان است. طبق اعلام منابع عربی عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر و عبدالله دوم پادشاه اردن این ایده را مطرح کردند اما مصر مسؤول انجام تماس‌ها با کشورهای عربی از طریق کانال‌های دیپلماتیک است. بر گزاری این نشست در حالی مطرح شده است که کشورهای عربی یکصدا طرح ترامپ را محکوم کرده و مخالفت خود با آن را اعلام کرده‌اند؛ طرحی که یادآور روز نگبت و پاکسازی‌های قومی رژیم اشغالگر در کرانه باختری و بسیاری از مناطق فلسطین اشغالی است که منجر به آوارگی میلیون‌ها فلسطینی از منازل خود شده است. به همین دلیل نیز کشورهای عربی علاقه‌ای به تکرار تجربه نگبت نشان نده‌اند.

ساختاری. در نهایت، به قدرت رسیدن ترامپ، خود نشانه‌ای از اختلال عملکرد سیستمی در نظام امریکاست، نه درمانی برای آن. لفاظی‌های پوپولیستی او کسانی را مخاطب قرار می‌دهد که از جهتی‌سازی و تغییرات تکنولوژیک عقب مانده‌اند اما راحل‌های او – مانند ممنوعیت مهاجرت، جنگ‌های تجاری و لفاظی‌های ملی‌گرایانه – به جای حل نابرابری‌های ساختاری ذاتی، به پنهان کردن آنها منجر می‌شود.

اقدامات و سیاست‌های ترامپ، کمتر انعکاسی از فردیت او و بیشتر نشانه‌ای از روند‌های ضددموکراتیک گسترده‌تر در نظام ایالات متحده است. نقض‌های ساختاری مانند مجمع گزینندگان (Electoral college)، حوزه‌بندی‌های ناعادلانه (gerrymandering) و دستکاری رسانه‌ها، اصل حاکمیت اکثریت را تضعیف کرده است. ترامپ خود از این نقض‌های ساختاری بهره‌برداري کرد تا اینکه آنها را حل کند. در حقیقت، ترامپ خودمانیگر آمریکایی بحران‌زده است؛ ملتی که با زخم‌های عمیق داخلی دست و پنجه نرم می‌کند اما تلاش می‌کند تا ملکی‌های خود را با نمانهای ظاهری بپوشاند. ترامپ فقط بخشی از سیستم نیست، او محصول آن، بازتاب آن و نیرویی است که آن را تقویت می‌کند. ترامپ به تنها فرد فرستنده‌ها با ضدقهرمان (Antagonist) بودن فاصله دارد، بلکه یک جزء جدایی‌ناپذیر از همان سیستمی است که تظاهر به به‌چالش کشیدن آن می‌کند. منبع: **Modern Diplomacy**

نبرد صوری با دموکراسی آمریکایی: مورد منحصربه‌فرد ترامپ

تناقض‌های مرد دیوانه

است و شخصیت او در طول این سال‌ها به عنوان یک برند به بازار عرضه شده است.

ریاست‌جمهوری ترامپ بیش از پیش پوچی مخالفت او با سیستم را آشکار کرد. در حالی که او علیه جهانی‌سازی موضع می‌گیرد، کابینه‌اش مملو از لابی‌گران، میلیاردرها و مدیران شرکت‌های بزرگ است.سیاست‌هایی مانند کاهش مالیاتی سال ۲۰۱۷ (دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش) به طور نامتناسبی به نفع اولیگارش‌های ثروتمند بود و ناترازی ثروت و درآمد را تشدید کرد. به همین ترتیب، برنامه مقررات‌دایی او، به منافع شرکت‌ها در برابر حقوق کارگران و حفاظت از محیط زیست اولویت می‌داد. سیاست حملات او به «ولت پنهان» (deep state) نیز انتخالی و خودخواهانه بود. انتقادات ترامپ از بروکرات‌ها و سازمان‌های اطلاعاتی اغلب با تحقیقات آنها درباره رفتار او هم‌زمان بود و اعتبار او را زیر سوال می‌برد. او در استفاده از اقدامات سختگیرانه برای سرکوب اعتراضات و دوران نخست تصدی خود تردیدی نشان نداد و مخالفان را به جای مشارکت در گفت‌وگو، فانیشست یا عامل خارجی می‌نامید. موضع ضدساختار‌گرایانه او بیشتر به تحکیم قدرت شخصی مربوط می‌شود تا پرداختن به نابرابری‌های

دونالد ترامپ که اکنون بار دیگر رئیس‌جمهور ایالات متحده شده است، از همان آغاز فعالیت سیاسی‌اش، تلاش کرده خود را به عنوان یک چهره مردمی و خارج از



چارچوب متعارف سیاست‌نشاند (establishment) کسی که در تقابل با ساختار حاکم (deep state) مبارزه می‌کند و نظام دو حزبی ریشه‌دار در سیاست آمریکا را به چالش می‌کشد. با این حال، بررسی دقیق تر نشان می‌دهد ترامپ به یک عنصر بیرونی، بلکه محصول همین سیستم است و از آن بهره می‌برد، در حالی که به شکلی نمایشی آن را مخالفت می‌کند. این دوگانگی بین گفتار و واقعیت او، نه تنها تناقض‌های درونی ترامپیسم را برجسته می‌کند، بلکه بحران سیستمی عمیق‌تری را در درون دموکراسی آمریکایی آشکار می‌کند.

برای درک واقعی به قدرت رسیدن ترامپ، باید آن را در چارچوب گسترده‌تری از بحران‌های سیستمی تهدیدکننده دموکراسی آمریکایی بررسی کرد. دهه‌ها سیاست‌های نئولیبرالی، طبقه متوسط را فرسوده، اتحادیه‌های کارگری را تضعیف و ثروت و قدرت را در دست عده‌ای محدود متمرکز کرده است. Reality television، نظام دو حزبی آمریکا به کارتل‌های مزدبندی شده و منع ورود افراد خارج از این سیستم می‌شود. هزینه شرکت در انتخابات به حدی افزایش یافته که تنها کسانی که از حمایت ساختارهای

خاورمیانه عمل کرد. نفوذ لابی اسرائیل در کنگره و دولت آمریکا باعث شده سیاست‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه، حتی در مواقعی که به ضرر منافع راهبردی واشنگتن است، در راستای حمایت از اسرائیل تنظیم شود.

برخلاف بسیاری از دیگر روابط آمریکا که مشروط به رعایت حقوق بشر یا منافع اقتصادی است، حمایت از اسرائیل تقریباً بدون قید و شرط بوده است. حتی در زمان‌هایی که سازمان ملل و بسیاری از متحدان آمریکا سیاست‌های اسرائیل را محکوم کرده‌اند، واشنگتن همواره از وتو برای حمایت از این رژیم استفاده کرده است. با وجود تمام حمایت‌های آمریکا از اسرائیل در دوره‌های پیشین، نشریه «شنال ریویو» در گزارشی نوشته است «این ترامپ است که روابط آمریکا و اسرائیل را ترمیم می‌کند». در دوره ترامپ که خود را رئیس‌جمهور می‌داند که بیشتر خدمات را به اسرائیل داشته است، احتمالاً وضعیت غیرعادی میان آمریکا و اسرائیل حتی غیرعادی‌تر می‌شود! پیش‌بینی رفتار ترامپ دشوار است اما به گزارش «فارن افرز»، «دوره اول ترامپ سرخ‌هایی در این باره ارائه می‌دهد که او چگونه قرار است خاورمیانه را اداره کند».

روابط ترامپ و اسرائیل را می‌توان به ۳ موضوع اصلی تقسیم کرد: اول، نقش ترامپ در مسائل داخل رژیم صهیونیستی و مناسبات آن با سرزمین‌های فلسطینی و ملت فلسطین است. ترامپ در دوره اول خود اقداماتی علیه فلسطینیان انجام داد که به نظر می‌رسد بنا به شباهت آنها، قصد دارد در دوره دوم نیز این اقدامات را تکرار کند. برای مثال، او سفارت آمریکا را به قدس اشغالی منتقل کرد که با واکنش‌های بسیاری در سراسر جهان همراه بود. همچنین شهرک‌نشین‌ی و اشغالگری صهیونیست‌ها در کرانه باختری و جولان را قانونی و به رسمیت شناخت. در روزهای آغازین دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، او اقداماتی مشابه در این راستا انجام داد. او تحریم‌هایی را که علیه شهرک‌نشینان وضع شده بود ملغی کرد، همچنین طرحی عجیب برای غزه ارائه کرد که حد اعلای خواسته‌های راست‌گرایان افراطی در رژیم صهیونیستی، یعنی پاکسازی قومی غزه را اجرایی می‌کند. طرح او از این قرار است که مردم غزه به کشورهای همسایه مانند

مصر و اردن پناهنده شوند و مدیریت و کنترل غزه در اختیار ایالات متحده قرار گیرد. این طرح با واکنش‌های تند کشورهای عربی روبه‌رو شده است. دوم، مقابله با ایران است. ترامپ عامل شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران در طول تاریخ روابط خارجی ایران بوده است. او با کمپین فشار حداکثری، تحریم‌هایی – به عقیده آمریکایی‌ها – فلج‌کننده را علیه ایران اعمال کرد که در تاریخ سابقه نداشت و هدف آن صفر شدن صادرات نفت ایران بود.

ترامپ به رغم ادعاهای خود مبنی بر آمادگی برای توافق با ایران، در یادداشت‌ه (memorandum) فشار حداکثری علیه ایران را در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود نیز اجرا کرد که با خواسته‌های اسرائیل در قبال ایران همخوانی دارد. البته لازم به توضیح است که یادداشت با فرمان اجرایی رئیس‌جمهور که تفاوت‌هایی دارد که نشان می‌دهد ترامپ با نیت‌نگاهی به مذاکره، سیاست دوگانه‌ای در قبال ایران دنبال می‌کند که «کاملاً» با خواسته‌های نتانیاهو همسو نیست. از طرفی، خواسته حداکثری نتانیاهو در قبال ایران همکاری آمریکا برای حمله نظامی به ایران است که فعلاً در دستور کار ترامپ نیست. تأیید در این رابطه است می‌پوسد: «نتانیاهو می‌داند کمک فعال و مصمم ایالات متحده، امکان هیچ حمله موفقیت‌آمیزی به تأسیسات هسته‌ای بشدت مستحکم و عمیق زیرزمینی ایران وجود ندارد. یک حمله مستلزم امواج متعدد بمباران هماهنگ در مقیاس بزرگ است که فقط ارتش ایالات متحده می‌تواند انجام دهد».

این مسأله نشان‌دهنده یک اختلاف مهم میان ایالات متحده و

اسرائیل در قبال ایران است. البته گزینه نظامی برای نخستین‌بار

در ۲ دهه اخیر به گزینه‌ی جدی برای آمریکا در قبال ایران تبدیل

شده که ترسید کامل آن هدف این گزارش نیست. به هر حال،

به نظر می‌رسد در دوره دوم ترامپ انتطابق قابل توجهی میان

خواسته‌های رژیم اسرائیل و اقدامات احتمالی ترامپ در آینده

در قبال ایران وجود دارد. که نشان‌دهنده توسعه همکاری‌های

امنیتی این دو خواهد بود.

سوم، نقش ترامپ در باطرراحی نظم امنیتی غرب آسیا به

نفع رژیم صهیونیستی است. ترامپ در طول دوره اول خود،

روندی را آغاز کرد که با رویه تمام‌روسی‌جمهور پیشین آمریکا

پنجشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۳
وطن‌امروز | شماره ۴۲۵۴

بین‌الملل

دور دنیا

حمله اوکراین به اطراف

نیروگاه هسته‌ای زاپروژیا



ارتش اوکراین با استفاده از پهپادهای خود به یک پارکینگ در شهر انتر‌گودار در ۳۰۰ متری راکتور نیروگاه هسته‌ای زاپروژیا حمله کرد. به گزارش خبرگزاری تاس، فرماندار زاپروژیا از ساکنان منطقه خواست آرامش خود را حفظ کنند و تا تثبیت اوضاع از خانه‌های خود خارج نشوند. نیروگاه هسته‌ای زاپروژیا واقع در انتر‌گودار دارای ۶ واحد با ظرفیت ۶ گیگاوات توان برق است. این نیروگاه بزرگ‌ترین نیروگاه هسته‌ای در قاره اروپا محسوب می‌شود و تاکنون چند بار هدف قرار داده شده است. روابط عمومی نیروگاه پس از این حمله اعلام کرد سطح رادواکتیو در منطقه عادی بوده و از استانداردها فراتر نرفته است. حملات به نیروگاه هسته‌ای زاپروژیا در گذشته موجی از نگرانی‌ها را از وقوع یک حادثه هسته‌ای جدید در قاره اروپا ایجاد کرده بود. علاوه بر این، وزارت دفاع روسیه از سرنگونی ۶۶ پهپاد اوکراینی، ۱۲ موشک همپاس ساخت آمریکا و همچنین ۲ بمب هدایت‌شونده هاسر در شبانه‌روز دیروز خبر داد. پیش از این رسانه‌ها از وقوع انفجار در کی‌یف، پایتخت اوکراین خبر داده بودند. به گزارش کی‌یف ایندپندنت، در حملات هوایی روز گذشته روسیه به مناطق مختلف اوکراین دست‌کم یک نفر کشته و ۱۶ نفر دیگر نیز زخمی شدند.

ارمنستان به دنبال

پیوستن به اتحادیه اروپایی

پارلمان ارمنستان دیروز با ۶۳ رای موافق و ۷ رای مخالف، لایحه‌ای را تصویب کرد که خواستار آغاز روند الحاق این کشور به اتحادیه اروپایی است. به گزارش رادیو ارمنستان، این لایحه مورد حمایت قانونگذاران حزب حاکم قرار داده می‌گرفت. ائتلاف اپوزیسیون «هایستان» در این رای‌گیری شرکت نکرد و «پاتیو اونم» دیگر حزب اپوزیسیون رای موافق داد. نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر این کشور گفت ارمنستان در صورتی می‌تواند به عضویت اتحادیه اروپایی درآید که مردم این طرح را در همه‌پرسی تأیید کنند. او در ادامه به لزوم بحث و بررسی و تدوین نقشه راه مشترک با اتحادیه اروپایی اشاره کرد. در پیش‌نویس قانون این کشور آمده است ارمنستان با اراده مردم و تعیین تکلیف مبنی بر تبدیل ارمنستان به کشوری امن و توسعه‌یافته آغاز روند الحاق به اتحادیه اروپایی را اعلام می‌کند. اتحادیه اروپایی، اتحادیه سیاسی و اقتصادی متشکل از ۲۷ کشور است. اعضا باید به اتفاق آرا در شورا برای اتخاذ برخی سیاست‌ها توسط اتحادیه موافقت کنند. پیش از این مقامات روسیه نسبت به این اقدام دولت ارمنستان واکنش شدید نشان داده و پیوستن این کشور به اتحادیه اروپایی را مسأوی با خروج از اتحادیه اوراسیا معرفی کرده‌اند.

■ ■ ■
حماس:

آرمان فلسطین

در مر حله حساسی قرار دارد

جنبش حماس دیروز اعلام کرد: به دلیل کابینه راست‌گرای تندروی اسرائیل و حمایت آمریکا و در سایه توهماتی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای صهیونیست‌ها ترویج می‌دهد، آرمان عادلانه فلسطین از مرحله حساسی می‌گذرد. به گزارش خبرگزاری شهاب، جنبش حماس تصریح کرد: رژیم اشغالگر به اجرای طرح الحاق و کوچ اجباری در کرانه باختری از طریق سیاست‌های شهرک‌سازی و کوچاندن که بر مبنای سرقت اراضی فلسطین است، ادامه می‌دهد. حماس افزود: ثابت ماندن و پایداری مردم ما در کرانه باختری و قدس به منزله سواکب امید برای به شکست کشاندن طرح‌های اشغالگر جهت الحاق و کوچ اجباری است. از سوی دیگر، حماس اظهار کرد: ما مواضع برادران در کشورهای خود و سایر طرف‌های کوچ اجباری مردم ما یا از بین بردن حقوق ملی آنها بیجان کردند، ارج می‌نهم. حماس افزود: مردم ما به خاک و وطن خود پایبند خواهند ماند و هیچ راه‌حلی را به حقوق قانونی آنها برای آزادی و استقلال را از بین نبرد، نخواهند پذیرفت.

طعنه بوریس جانسون

به ترامپ

نخست‌وزیر اسبق انگلیس با تمسخر طرح دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای کوچاندن اجباری ساکنان نوار غزه به اردن و مصر، گفت عمارت مشهور ترامپ در فلوریدا موسوم به مارالاکو فوق‌العادی برای اسکان اهالی نوار غزه است. بوریس جانسون مارالاکو که در اجلاس جهانی دولت به میزبانی دویی صحبت می‌کرد، گفت در سفر کارآی اخیرش به فلوریدا، به این نتیجه رسیده است که مارالاکو چه عمارت باشکوهی است، وی خطاب به ترامپ افزود: اگر می‌خواهید میلیون‌ها نفر را آنجا اسکان بدهید، مکان کاملاً مناسب برای این کار است. اظهارات کنایه‌آمیز وی پس از مصاحبه جنجالی ترامپ با فاکس نیوز مطرح شده است. ترامپ در آن مصاحبه با ادعایی مضحک گفت «نوار غزه را تصاحب خواهد کرد» و در ادامه افزود قصد دارد این باریکه را به «ساحل خاورمیانه» تبدیل کند.